

بسمه تعالی

دوران جدید جمهوریت در نظام اسلامی

جمهوریت نسبتی با عوام جامعه دارد و شکل جدید حکومت اقلیت خواص بر اکثریت عوام را که با نام ملت صورت می گیرد، جمهوری می نامند. اما به نظر می رسد که نقش عمیق تری برای عوام جامعه در نظام جمهوری اسلامی وجود دارد. مفهوم عوام که در لسان قرآن کریم با تعبیر "امّیون" به کار رفته است در مورد عوام یهود در آیه ۷۸ سوره بقره مورد مذمت قرار می گیرد. اما برعکس در مورد عوام پس از ظهور اسلام در آیه دوم سوره جمعه، مدح می شود. توجیه این تفاوت را می توان در حدیث امام صادق علیه السلام به نقل از امام حسن عسگری علیه السلام که در احتجاج شیخ طبرسی نقل شده است، ملاحظه نمود. عوام یهود علیرغم اطلاعاتشان نسبت به فسق علمای خود، از آنها تبعیت می کردند. اما با بعثت پیامبر گرامی اسلام، اتفاقی در عوام جامعه شکل گرفت که در امّیون یهود وجود نداشت. اسلام توانست قدرت قضاوت و قیام دینی را در عوام جامعه ایجاد کند. آن چیزی که در مأموریت رسول گرامی اسلام به «فاستقم کما امرت و من تاب معک» تعبیر شده است.

در سوره جمعه پیامبر اسلام را از امیین می شمارد و شاید تعبیر امّی بودن پیامبر اسلام هم اشاره به این اتفاق مهم داشته باشد که قرار بود توده های مردم بواسطه پیامبر اسلام، قدرت قضاوت و هویت و شخصیت پیدا کنند. به تعبیری قیام لله که هویت ساز است؛ به عهده عوام جامعه گذاشته شده است که مبنای مردمسالاری دینی می باشد. امّیون و عوام مخیر هستند که یا مثل عوام یهود از علمای فاسد تبعیت کنند و یا اینکه با روحیه انقلابی، بدنبال علمای صالح و تشکیل حکومت دینی باشند. در ذیل آیه «و منهم امّیون لا یعلمون الكتاب الا امانی و ان هم الا یظنون» (بقره: ۷۸) آمده است که امام صادق علیه السلام فرمودند «و اضطروا بمعارف قلوبهم...»؛ به حکم فطرت الهی که در سرشت هر کس قرار داده شده است می دانستند که هر کس که چنین اعمالی داشته باشد نباید قول او را پیروی کرد و نباید قول خدا و پیغمبران خدا را از زبان او قبول کرد. بعد فرمودند: و اما هر یک از فقها صائن نفس، حافظ دین، مخالف هوا و مطیع امر مولایش باشد؛ بر عوام است که از او تقلید کنند... لاجرم آن افرادی که خدا از قلب آنها بداند که آنها قصدی ندارند جز اینکه دین خود را حفظ کنند و اطاعت ولی خدا را ترک نکنند، خدا این افراد را دست این علمای متقلب کافر باقی نمی گذارد و بیرون می آورد. و مؤمنی را می گذارد تا آنها را از اینها بیرون بکشد و راه صواب را به آنها تعلیم کند. آن وقت خداوند آن عوام را هم موفقش می

کند تا از اینها حرف بشنود. پس خداوند برای آن مؤمن خیر دنیا و آخرت را جمع میکند و هر کسی که او را می خواهد گمراه کند لعن دنیا و آخرت بر او جمع کند.

به این ترتیب اسلام به امّیون موضوعیت داد و آنها را حاملان دین قرار داد. نفس تقلید عوام از خواص را باید طبیعی دانست. اما اینکه تقلید عوام منحصر و محدود به شرایط مهمی باشد که تشخیص آنها هم به عهده خود عوام باشد، انقلاب مهم تاریخی است. پیدا شدن قدرت قضاوت در تاریخ زندگی سیاسی مسلمانان، از مهمترین دستاوردهای اسلامی است و تفاوت جامعه اسلامی را در مقایسه با جوامع غربی نمایان می سازد. اگرچه در همه جا افراد قدرتمند حکومت می کنند اما در بین مسلمانان قدرت قضاوت وجود دارد، درحالی که در جوامع مسیحی چنین قدرتی از بین رفته است و ملاک خوب و بد مشخص نیست. قدرت قضاوت مردم مهم ترین تکیه گاه قدرت معنوی اسلام است. نظریه قدرت اسلامی در پی این است که قدرت قضاوت در مردم وجود داشته باشد و از بین نرود. شیخ فضل الله نوری (ره) در دوران مشروطیت به شهادت می رسد و رضاخان به ظاهر به قدرت می رسد ولی این شهادت برای مردم قدرت قضاوت ایجاد می کند. مردم به جهت شهادت شیخ فضل الله (ره) عملکرد دستگاه حکومت را مورد قضاوت قرار می دهند. اکنون هم یکی از اثرات مهم خون شهدا همین است که قدرت قضاوت در مردم ایجاد کرده است. هر فسادى هم در جامعه وجود داشته باشد؛ وجود قدرت قضاوت و قیام لله، زندگی خوب را از ناشایست جدا می کند. ملاکی به مردم می دهد به گونه ای که فساد در تحت هیچ شرایطی نمی تواند برای مردم خوب جلوه کند و به عنوان ارزش تلقی شود.

سکولاریزم هم مربوط به فرضی دانستن این قیام و عمومی شدن ایمان دینی می باشد و ارتباطی با اصل قیام، انقلاب و ولایت فقیه که رهبری قیام است؛ ندارد. جامعه ای که قیام کند؛ نیازمند رهبری می شود. تشکیل حکومت اسلامی از مسیر آگاهی بخشی به مردم، بیداری اسلامی و سپس اراده و قیام عمومی میسر می گردد. اخلاق و سیاست با قیام محقق می شود و جوهر جوامع در قیام کردن آنها است. این قیام با بهره گیری از نیروی تخیل ممکن می شود و زمینه تحقق فضائل و نیل به سعادت را در پرتو حکومت فراهم می آورد. جمهوریت و حکومت های ملی هم مبتنی بر قیام و قدرت قضاوت مردم هست.

به هر حال در اسلام، دولت را امّیون درست می کنند. دولت اسلامی، ظهور قدرت مردمی است و عمومی شدن قدرت حکومتی را نشان می دهد. قدرت دولتی در همه ساحت های زندگی، عمومی می شود. دولت و حکمرانی در نگاه اسلامی، عمومی شده است و همه مردم می توانند خود را سهیم در این حکمرانی تلقی کنند. لذا امر سیاسی لاجرم تدریجی خواهد بود. دولت اسلامی و دولت کارآمد، مثل تاج

سلطنت است که همگان روی سر می گذارند و یکی از ویژگی های دولت کارآمد، عمومی شدن حس دولتی است. حکومت در بطن جامعه و در درون مردمان منتشر و به تعبیری عمومی و همگانی می باشد. حتی اینکه امام راحل، شرط مرجعیت را از رهبری برداشتند و فقاقت را برای آن کافی دانستند نوعی عمومی کردن امکان رهبر شدن و باعث تداوم آن بود.

در ادبیات اسلامی، دولت و مردم، جدا از هم و در حالت معامله با هم تلقی نمی شوند که دولت مثل یک کارگر در ازای پول، خدمت کند. این فرهنگ، به مرور دولت را ناکارآمد می کند. دولت اسلامی در شرایط معامله با مردم قرار ندارد. کارآمدی وقتی است که دیواری بین دولت و مردم کشیده نشود. وقتی این دیوار برداشته شود، عمومی شدن دولت اتفاق می افتد. آن چیزی که تخیل دولت اسلامی را بوجود می آورد؛ عبارت از برداشته شدن دیوار بین مردم و دولت، حل مشکل دیوانسالاری و احساس دخالت مردم در فرایند حکمرانی است.

دولت وجه تشخیص یافته یک ملت است که قرار است بار زندگی را بر دوش بکشد و نه اینکه سربار جامعه و دست و پا گیر و مزاحم زندگی مردم باشد. دولت باید با مدیریت، سیاست گذاری، ارائه تسهیلات و رفع موانع مشکلات را تبیین کند تا خود مردم آنها را حل کنند. شعار سال که عبارت از پشتیبانیها و مانع زداییها از تولید می باشد باید در همه عرصه های فعالیت دولتی تسری یابد و فلسفه دولت اسلامی تلقی شود. مردمی بودن مدیریت را نه تنها در مشارکت دادن مردم، بلکه باید در تعلق مدیریت به آنها دانست. کارگزاران هم باید نقش خود را در رفع موانع و ارائه تسهیلات جستجو کنند. در دولت اسلامی، مردم خودشان مسائل زندگی خود مانند اقتصاد، مسکن، اشتغال، فرهنگ و همه اینها را اداره می کنند. دولت وظیفه نظارت دارد و افق های جدید زندگی را می گشاید. دولت، سخنگوی توانمندیها، مشکلات و فعالیتهای جامعه است. اسلامی، جهادی، بسیجی و مردمی بودن از مشخصات اصلی نظام مدیریت انقلابی است که دولت مبارز و دولت مقاومت هم خواهد بود. مدیریت بسیجی و جهادی به معنی پرکاری، تدبیر، کار شبانه روزی و پیگیری امور است که به سبکبال، کم هزینه و کارآمد بودن دولت منجر می شود. رفتار عادلانه کارگزاران و رابطه محبت آمیز بین آنها و مردم، از نشانه های مدیریت اسلامی است. دولت راه را برای شکل گیری تمدن نوین اسلامی باز می کند. کارآمدی دولت آن است که حفظ آبروی هویت ملی کند و پیام آن را به جامعه جهانی بدرستی برساند. دولت باید بتواند عزت ملی را با رعایت نزاکت سیاسی در عرصه بین المللی به نمایش بگذارد و همکاریهای مناسب با دیگر دولتها داشته باشد.

عمومی سازی کارهای دولتی باعث می شود که همه مردم خود را مسئول امنیت بدانند و اینکه خودشان اگر جنگی پیش آمد باید بجنگند. یک نامزد انتخابات ریاست جمهوری می گوید من سایه جنگ را برمی دارم و یا امنیت را ایجاد می کنم. در صورتی که هیچ دولتی نمی تواند سایه جنگ را از سر یک ملت برطرف کند. بلکه ملت ها هستند که به جنگ می رسند و یا جنگ را تمام می کنند. امنیت، امری درون زا است. امنیت وجود دارد و دولت، وجود امنیت را نشان می دهد. امنیت از درون جامعه نشأت می گیرد. امام خمینی در اوایل انقلاب که تحرکات منافقین زیاد شده بود، خطاب به مردم می فرمایند که "همه شما عضو سازمان اطلاعات هستید". دیدگاه ثنوی، نقش دولت را به صورت واقعیتی جدا از مردم می بیند. بین دولت و مردم، دوگانگی وجود دارد و دولت، واقعیتی جدا از جامعه و مردم دارد که در یک بده بستان تجاری، تأمین امنیت می کند. در دیگر عرصه های خدمت رسانی دولتی هم چنین بینشی وجود دارد. اما در نگاه توحیدی، وجود شهر، مدینه و اجتماع سیاسی است که امنیت را تأمین کند. تأمین کننده اصلی امنیت، جامعه، فرهنگ، هویت و شخصیتی است که در جامعه وجود دارد.

با این تبیین دولت اسلامی باید گفت که هر چند انقلاب اسلامی با به صحنه آمدن توده های عوام جامعه شکل گرفت اما دولت اسلامی و کارآمد، هنوز در جامعه ما شکل نگرفته است. روی کار آمدن دولت موقت و سپردن کارها به دست لیبرالها که امام راحل آن را اشتباه مهمی دانستند انرژی انقلابی مردم را ضایع و خسارتهای بزرگی را تحمیل نمود. چهل سال اول انقلاب تبدیل به عرصه مبارزه ای شد که مردم و جریان انقلابی برای بازیافتن نقش تاریخی خود در اداره جامعه داشته باشند. نگاهی به انتخابات ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ نشان می دهد که مردم ما در شروع گام دوم انقلاب اسلامی و پس از چهل و اندی سال تجربه مردمسالاری دینی مصمم هستند تا روال جدیدی را در نظام مدیریت اجرایی کشور رقم زنند. رشد سیاسی و اعتقادی مردم توأم با پیچیدگیهای زندگی در ابعاد گوناگون آن، مردم را به تأمل در کارآمدی دستگاه دیوانسالاری وسیع کشور وا داشته است. مردم نقش خود را علاوه بر انتخاب اصلح در پیدا کردن عزم و اراده برای حل مشکلات جامعه و تشکیل دولت و نظام مدیریت مردمی جستجو می کردند که برای این مهم آقای رئیسی را به عنوان جلودار خود انتخاب نمودند. درکی که جامعه ما از ایشان حتی پیش از انتخابات پیدا کرده بود، نوید تحول بزرگی در عرصه مدیریت اجرایی کشور را می داد که می توان از آن به دوران جدیدی از جمهوریت در نظام اسلامی ایران تعبیر کرد.

محمد علی فتح الهی